

گفتگوی علیاحضرت فرح پهلوی با رادیو فرانسه:

پادشاه با نهادن تاج بر سر من، در واقع بر سر همه زنان ایران تاج نهاد ادامه دادن به مبارزه با رژیم حاکم بر ایران رسالت تاریخی من است و من این مبارزه را همچنان ادامه خواهم داد حتی اگر ما فقط چهار نفر باشیم.

- حکومت اسلامی پس از استقرار نتوانست دستاوردهای زنان ایران، از جمله حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را از آنان باز پس بگیرد.
- پادشاه فقید می گفت: بی تردید پسر من، به گونه‌ای متفاوت از من سلطنت خواهد کرد.
- مخالفان ایرانی و خارجی رژیم گذشته که آنهمه از نبود حقوق بشر و آزادی در ایران انتقاد می کردند طی این ۲۵ سال کجا هستند
پاریس - ف. سیامک:

علیاحضرت فرح پهلوی روز شنبه هشتم نوامبر، به دعوت رادیو فرانسه، مصاحبه‌ای با این رادیو بعمل آورد. این مصاحبه که به دلایل امنیتی در آپارتمان یکی از دوستان شهبانو در پاریس انجام شد، به مناسبت انتشار کتاب خاطرات شهبانو صورت گرفت. مصاحبه با پخش صدای شاهزاده رضا پهلوی آغاز شد. گوینده رادیو فرانسه، از شاهزاده رضا پهلوی سؤال کرد: - به نظر شما انتشار کتاب خاطرات مادرتان، یک اقدام، یک تلاش سیاسی نیست؟ شاهزاده رضا پهلوی پاسخ داد:

من فکر می کنم انتشار این کتاب برای نسل جوان که از ایران دوران پادشاهی پدرم اطلاع درستی ندارد بسیار مهم است. این کتاب وضعیت ایران دوران گذشته را به قضاوت خواننده می گذارد و نشان می دهد، مملکت در چه مسیری پیش می رفت. مخصوصاً وضعیت زن ایرانی را در مقایسه با وضعیت کنونی تشریح می کند و نشان می دهد چه تفاوتی میان این دو وضعیت وجود دارد. نشان می دهد زنان ایران در گذشته به ویژه در مقایسه با زنان کشورهای همسایه ایران از چه موقعیت اجتماعی و سیاسی برخوردار بودند. بعنوان مثال، زنان ایران حتی قبل از زنان سوئیس از حق شرکت در انتخابات، رأی دادن و انتخاب شدن برخوردار شدند.

خبرنگار رادیو فرانسه در اینجا از شاهزاده رضا پهلوی پرسید:

- اگر بخواهید در چند کلمه مادرتان را معرفی کنید، چه می گوئید؟

شاهزاده رضا پهلوی پاسخ داد:

مادر من، نقش بسیار مهمی در استیفای حقوق زن ایرانی ایفا کرد، آنهم در بسیاری از زمینه‌ها. در این نقش مادر من در عین احترام به سنن و رسوم ایرانی، پرچمدار یک زن مدرن و امروزی ایرانی است. در یک جمله بگویم مادر من در طول سالهای درد و رنجی که تحمل کرد، خصلت والای انسانی و ایرانی خود را به طرز ستایش آمیزی حفظ کرد. من این را نه بخاطر اینکه او مادر من است، بل بخاطر بیان حقیقت می گویم. پس از آن، گفتگو با علیاحضرت فرح آغاز شد. علیاحضرت در بخشی از این گفتگو اظهار داشت:

از دو سه سال پیش شروع به نگارش کتاب خاطرات خود کردم. من نگارش این کتاب را به هموطنانم، به همسر من و به نسل جوان ایرانی مدیون بودم. وانگهی حوادث و تحولاتی که در طول سالهای گذشته روی داد نگارش این کتاب را ضروری ساخت.

در این قسمت علیاحضرت فرح به نخستین دیدار خود با پادشاه فقید و سپس ازدواج با وی اشاره کرد و گفت:

پس از دو سال اقامت در فرانسه که ضمن آن به تحصیل در رشته معماری اشتغال داشتم، برای اولین بار همراه با دانشجویان دیگر ایرانی مقیم پاریس، با پادشاه فقید روبرو شدم و برای بار دوم در تهران با ایشان ملاقات کردم. آن موقع برای گذراندن تعطیلات تابستانی به تهران رفته بودم و تقاضای دریافت بورس تحصیلی کرده بودم. در آن هنگام همسر شاهزاده خانم شهنواز پهلوی، به امور تحصیلی دانشجویان ایرانی مقیم خارج

از کشور رسیدگی می کرد. این او بود که مرا به خانه اش دعوت کرد در آنجا بود که به پادشاه ایران معرفی شدم. من البته آن شب سخت تحت تأثیر این آشنائی قرار گرفتم و قلبم به شدت می تپید. از این دومین ملاقات تا زمانی که من به تقاضای ازدواج پادشاه فقید پاسخ مثبت دادم، وقایع خیلی سریع پیش رفت.

در خلال این چند ماه البته چندین ملاقات و گفتگوی دیگر نیز با پادشاه داشتم. خوب بخاطر دارم که پادشاه بعد از پیشنهاد ازدواج گفت: بعنوان ملکه ایران، وظایف مهمی در قبال کشور و هموطنان به عهده خواهی داشت.

تاجی بر سر همه زنان

خانم خبرنگار رادیو فرانسه در این موقع اظهار داشت:

در بیست و هشتم اکتبر ۱۹۶۷ شما به عنوان ملکه ایران «شهبانو» تاجگذاری کردید. در کتاب خاطراتتان ضمن اشاره به این رویداد می نویسید: پادشاه فقید با دادن عنوان شهبانو و گذاشتن تاج بر سرتان در واقع بر سر همه زنان ایران تاج نهاد و موقعیت زن ایرانی را ارتقاء بخشید و به جایگاهی که شایسته آن بود، باز نشانند.

علیاحضرت پاسخ داد:

همین طور است. تاجگذاری از نظر من جنبه نمادین «سمبولیک» داشت. از ورای این تاجگذاری من بازیافت احترام و اعتلای شخصیت زن ایرانی را می دیدم.

شما در کتابتان اشاره می کنید همواره به موقعیت زن ایرانی و شرایط اجتماعی زنان ایرانی توجه داشتید و بعنوان یک زن و به عنوان یک مادر، در اموری که به حیثیت و حقوق زن ایرانی مربوط می شد به دولت توصیه می کردید. ممکن است در این زمینه توضیح بیشتری بدهید و از انقلاب سفید و اعطای آزادی به زنان سخن بگویید. تا آنجا که می دانم، اعطای حقوق و آزادیهای مدنی از زمان پدر همسرتان آغاز شد که حجاب را در ایران ممنوع ساخت.

علیاحضرت پاسخ داد: قبل از سال ۱۹۶۳، زنان در رعایت حجاب یا عدم رعایت حجاب آزاد بودند. در روستاها، زنان روستایی با لباسها و پیراهنهای رنگارنگ زیبای خود در خارج از خانه رفت و آمد می کردند. نه حجاب و نه عدم رعایت حجاب تکلیف شمرده نمی شد. از سال ۱۹۶۳، سال اعلام انقلاب سفید، زن ایرانی از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و دیگر حقوق مدنی برخوردار شد و این امر زنان ایرانی را در عرصه های اجتماعی، سیاسی، اداری و غیره فعال ساخت. شرایط زندگی زن ایرانی تغییر یافت. قوانین جدید در این عرصه تدوین و تصویب شد. وزیر امور زنان انتخاب شد. تعدد زوجات ممنوع گشت. البته استثنائات معدود باقی ماند مانند انتخاب همسر دوم، در صورتی که همسر اول صاحب فرزند نمی شد آنهاهم البته با موافقت همسر اول. تأکید می کنم «تعدد زوجات» قانوناً ممنوع گردید. البته در روستاها به استثنائات برخورد می کردیم. در برابر این را هم اضافه کنم که برای نخستین بار به زن ایرانی حق داده شد، از دادگاه تقاضای طلاق کند. مساله حضانت از فرزندان خردسال به نفع زن تعدیل شد. تنها پس از انقلاب سفید بود که زنان در زمینه های سیاسی و اجتماعی و اداری ترقی کردند و به مقامات عالییه مانند وکالت، وزارت، سفارت، قضاوت و غیره دست یافتند. در این دوران زنان با تلاش بسیاری که در همه زمینه ها به خرج می دادند نشان دادند که بهتر و بیشتر از مردان کار می کنند و از حقوق برابر با مردان برخوردار بودند.

گوینده رادیو فرانسه گفت: «در حالی که این موضوع هنوز در اروپا صدق نمی کند، حقوق مردان در برابر کارمشابه، بیش از حقوق زنان است.» در اینجا شهبانو به موضوع سقط جنین اشاره کرد و اظهار داشت: بسیاری از زنان کارشناس راجع به این موضوع کار کردند. حتی «فتوای» آیت الهی نیز در این زمینه گرفته شد. می دانید در روستاهای ایران زنان بخاطر کار دشوار قادر نبودند فرزندان متعدد بیاورند. مآلاً قوانین مناسب تدوین شد. زنان، حتی زنان بدون شوهر می توانستند با موافقت پزشک، چند هفته بعد از بارداری سقط جنین کنند.

در زمینه مبارزه با بیسوادی شهبانو به تلاش گسترده سپاه دانش، بعد از پیاده شدن انقلاب سفید اشاره کرد و آن را ستود. شهبانو تأکید کرد که در سال ۱۹۷۸، در آستانه انقلاب اسلامی، بر اثر فعالیت گسترده سوادآموزی، یک سوم دانشجویان دانشگاههای کشور را دختران تشکیل می دادند. پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی، مسئولان حکومت نتوانستند دستاوردهای زنان ایران را در دوران گذشته از آنها باز پس گیرند. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان علیرغم مخالفت مسئولان رژیم محفوظ باقی ماند.

گوینده رادیو فرانسه در اینجا سؤال کرد:

پس از آنکه شما ایران را ترک کردید، مخالفان ایرادات متعددی به شما وارد کردند. از جمله اینکه درآمدهای نفتی در دوران شما حیف و میل شد. آزادیها سرکوب گردید. به زبان ساده حکومت دوران شما و همسرتان را دیکتاتوری توصیف کردند. حال بعد از ۲۵ سال که از آن انقلاب می گذرد، شما به این ایرادات چه پاسخ می دهید؟

علیاحضرت پاسخ داد:

بله آنها خیلی ایراد گرفته و شاید هم می گیرند. باید دید حالا که مخالفان دیروز ما حکومت را در دست گرفته اند برای ملت ایران چه کردند. باید مقایسه کرد. باید دید با این همه ثروت و درآمد نفتی که طی مدت ۲۵ سال گذشته به دست آوردند برای مردم چه کرده اند. مقایسه کنیم و ببینیم ایران قبل از انقلاب چه وضعیتی داشت و ایران فعلی چه وضعیتی دارد. اگر پادشاه فقید با قاطعیت و سرسختی عمل می کرد برای این بود که می خواست کشورش را به سرعت پیش ببرد. پادشاه بارها گفته بود که بی تردید پسر، به گونه ای دیگر و متفاوت از من سلطنت خواهد کرد. در اینجا می خواهیم به همه کسانی که به رژیم گذشته ایراد گرفتند، چه ایرانیان و چه خارجیان، که دلواپس فقدان آزادی در ایران بودند، از سرکوبی حقوق بشر در ایران سخن می گفتند، شرایط زندگی زن ایرانی را در گذشته مورد انتقاد قرار می دادند، از فساد حکومتی در ایران حرف می زدند، بگویم، حالا کجا هستند؟ حالا چرا حرفی نمی زنند؟ در طول ۲۵ سال گذشته کجا رفتند؟ چرا سکوت کرده اند؟ من امروز در غربت زندگی می کنم. من به گذشته نگاه نمی کنم. ایرانیان بهتر از هر کس دیگری می توانند مقایسه کنند، قضاوت کنند و نتیجه بگیرند. من به خودم فکر نمی کنم. به ایران و هموطنان عزیزم فکر می کنم. ایرانیان بهتر از هر کس دیگری می توانند قضاوت کنند که کشورشان ۲۵ سال پیش در چه وضعیتی و چه موقعیتی قرار داشت و حالا در چه وضعیتی قرار دارد؟ آن مخالفان و انتقادکنندگان حالا کجا هستند. مساله آزادی ایرانیان تنها محدود به ایران نیست. به همه کشورهای خاورمیانه مربوط است و به صلح در سراسر جهان خدمت می کند.

خبرنگار رادیو فرانسه در این موقع پرسید:

شما ۲۵ سال پیش در شرایط دشواری ایران را ترک گفتید. آیا زندگی در غربت، طی این مدت طولانی برای شما ناگوار نبود؟
علیاحضرت پاسخ داد:

بی تردید این سالها برای من و برای فرزندانم بسیار بسیار دشوار بود. زندگی، اکثراً دور از فرزندان و بیماری همسر برای من زندگی دهشتناکی بود. وقتی از مملکت خارج شدم، بخودم گفتم، بعد از آنهمه کار و فداکاری که برای مملکت کردیم و این نتیجه اش شد، از این پس دیگر کاری نمی کنیم. اما این فکر خیلی زود از سرم خارج شد. بعد از مرگ شوهرم، به این نتیجه رسیدم که حالا وظیفه تاریخی من است که به مبارزه ادامه بدهم. حتی اگر ما فقط چهار نفر باشیم، باید به این مبارزه ادامه بدهیم.

گوینده رادیو فرانسه گفت:

حالا شما در برابر ایران موقعیت سیاسی ندارید، هیچگونه قدرتی ندارید؟
شهبانو پاسخ داد:

نه، من قدرت سیاسی ندارم ولی همین فرصت گفتگویی که شما در اختیار من قرار دادید یک قدرت است که من از آن برای دفاع از حقوق هموطنانم استفاده می کنم. بهر صورت، از نظر بسیاری از هموطنانم من مظهر و نماد قدرتی هستم که آنها به آن اعتماد دارند و باور دارند. در اینجا گوینده رادیو فرانسه سؤال کرد، شما به ادبیات و شعر علاقه دارید و به خصوص حافظ را دوست می دارید. اگر از شما بخواهم یک بیت از اشعار حافظ را بخوانید کدام شعر را می خوانید؟

شهبانو در اینجا به زبان فارسی این بیت حافظ را خواند و سپس به فرانسه ترجمه کرد:

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنها گر کند خار مگیلان غم مخور